

بیانات در دیدار با اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی 598 شورای امنیت سازمان ملل متحد - 30 آذر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم بایستی اولاً از شما برادران عزیز دستگاههای مختلف (۱)، که در کار پیشبرد قطعنامه‌ی ۵۹۸ یک تلاش وسیع و پُرغصه و پُردردسر را دنبال کردید، و همچنین از کسان دیگری از بخش‌های مختلف که احیاناً با شما در این زمینه‌ها همکاری کردند، صمیمانه تشکر کنم؛ ثانیاً به خاطر این‌که بحمدالله این زحماتتان به نتیجه رسید، به شما تبریک عرض بکنم.

ما کمک الهی را در طول جنگ و در بخش‌های مختلف، بالعیان مشاهده کردیم؛ و این یکی از همان کمکهای است. در هر جنگی، به موازات جبهه‌ی نظامی، یک جبهه‌ی سیاسی هم وجود دارد، که شرایطش با همان جبهه‌ی نظامی، کم و بیش یکسان است. یعنی اگر فرض کنیم که در میدان نظامی، از طرف کسانی در دنیا - مثلًا از طرف مجموعه‌ی عظیمی - به دشمن کمک شود، نباید انتظار داشت که در جبهه‌ی سیاسی، همانهایی که به او کمک می‌کردند، حالا بیایند به ما کمک کنند؛ این چیز تقریباً نامعقولی است.

کمکها برای دشمن ما، در هر دو جبهه بود. اگرچه جبهه‌ی سیاسی برای همه‌ی مردم و همه‌ی دستگاهها محسوس و ملموس نبود، اما برای شماها و کسانی که دست‌اندرکار مسائل سیاست خارجی بودند، کاملاً محسوس بود. آن فضای سرد دیپلماسی، آن توطئه‌های عجیب و غریبی که در صحنه‌ی عالم، همین‌طور از هر گوش و کنار علیه جمهوری اسلامی سر می‌کشید، آن موج عظیم تبلیغاتی یک‌آهنگ در همه‌ی دنیا، از شرق تا غرب تا ارجاع، اینها بخشی از آن چیزی بود که ما یک سر دیگرش را در میدانهای جنگ و سلاح و مهمات مدرنی که در جنگ به دشمن ما داده می‌شد، می‌دیدیم.

بحمدالله در هر دو میدان، ایمان و عشق به هدف، و اخلاص برای خدای متعال، کار خودش را کرد. هم در صحنه‌ی نظامی، بحمدالله این نظامیهای ما - ارتش و سپاه و بسیج و فرماندهان ما - و آحاد افراد ما با فداکاری جنگیدند و دشمن را مبهوت کردند، و هم متناسب با این وضع، جبهه‌ی دیپلماسی نیز فعال بود؛ ما واقعاً شاهد این قضیه بودیم. بنده می‌دیدم که برادران چه زحمتی می‌کشند، چه تلاشی می‌کنند و چه غصه‌ها و رنجهایی را بر خودشان تحمل می‌کنند؛ این هم نتیجه‌ی آن است.

این وعده‌ی خدا که می‌فرماید «ان تنصروا الله ينصركم»، (۲) دروغ که نیست. این وعده‌ی به این واضحی، نه آیه‌ی متشابه است، و نه گیری در مدلول هست؛ کاملاً پیوست. شما ممکن است منتظر باشید که «ان تنصروا الله ينصرکم» در همان لحظه محقق شود؛ نه دیگر، این توقع زیادی است؛ در آن لحظه نخواهد شد؛ اما به‌هرحال سوخت و سوز ندارد. بلاشک، خدا شما را یاری می‌دهد - «ینصرکم» - این هم نمونه‌ی آن است. این باید برای ما درس باشد؛ کما این‌که بحمدالله هست.

آن کسانی که در مقابل جمهوری اسلامی بودند، واقعاً مصدق «و من اعرض عن ذکری فانَّ له معيشةٌ ضنكًا» (۳) شدند. آنها اعراض کردند و خدای متعال هم بر آنها سخت گرفت. سختگیری الهی هم یکی از آن چیزهای عجیب است؛ آن جایی که گمان آن نمی‌رود، بُروز می‌کند.

بینید حالا چه دارد می‌شود. من وقتی به این حوادث شرق اروپا (۴) نگاه کردم و نگاه می‌کنم، از همان روزی که شروع شده، واقعاً انسان چیزهایی احساس می‌کند. موضوعگیری کشورها و نوع برخورداشان، چه ارتباط روشنی با این حوادثی که حالا دارد در اینجا پیش می‌آید، پیدا کرده است. این، چه دستی و چه عاملی است؟ این، چه قانون ناشناخته‌یی در زندگی ما مردم است که این‌طور بر تمام قوانین شناخته شده‌ی قراردادی، سیطره پیدا می‌کند؟ شما می‌بینید که ناگهان یک دژ از هم می‌پاشد، فرو می‌ریزد و از بین می‌رود؛ این یقیناً بی‌علت نیست. آن عاملهای ناشناخته، این‌جا خودش را نشان می‌دهد؛ و یقیناً بخشی از این موضوعگیریها نسبت به ایمان الهی در این کشورهای متلاشی شده و در این امپراتوریهای درهم فرو ریخته - یعنی بی‌اعتقادی به خدا - یکی از عوامل بوده است.

امروز شاید تصور غریبها یا لااقل تبلیغاتشان این است که اتحاد جماهیر شوروی به خاطر شکست تجربه‌ی سوسیالیسم به این نتیجه رسید که آن اقتصاد غلط بود؛ بعد از هفتاد سال فهمید که این اقتصاد درست است؛ یعنی فروپاشی نظام سوسیالیسم را به پای یک تجربه‌ی دیگر، یا تجربه‌یی برای استحکام مبنای جوامع سرمایه‌داری به حساب آوردن! این غلط است؛ به‌هیچ‌وجه این محاسبه درست نیست؛ اصلاً ربطی به این قضیه ندارد؛ مسأله بایستی جای دیگر علت‌یابی و علت‌جویی بشود؛ مسأله‌ی دشمنی با دین و بردیده شدن از ایمان معنوی است. در هرجا و به هر اندازه که این عامل منفی وجود داشته باشد، به همان اندازه تلاشی و نابودی منتظرش است. البته عرض کردم، نباید تصور کرد که فردا باید اتفاق بیفتد. آن کشورهایی هم که به شکل دیگری - اگرچه نه با آن نمودارها و نمادها - با دین مقابله می‌کنند، باید منتظر چنین وضعی باشند. این قرن - آن‌طور که به چشم می‌خورد - ان شاء الله قرن گرایش عمومی بشریت به سمت معنویت و به سمت دین است.

به‌هرحال، آنچه که ما داریم، به برکت اسلام داریم. به وجود آمدن انقلاب، به برکت اسلام بود. اگر ایمان اسلامی و عمق این ایمان در دلها نبود، امکان نداشت بعد از آن سوابقی که همه از گذشته‌های این کشور - بخصوص در قرن اخیر - می‌دانید، هیچ‌دست نیرومندی بتواند این مردم را به حرکت در بیاورد. آن چیزی که آن رهبری بی‌نظیر را برای ما به وجود آورد، ایمان مذهبی بود؛ یعنی شما هر اندازه که میزان استحکام و اقتدار معنوی امام را محاسبه کنید، به همان اندازه دینداری و ایمان و معنویت آن بزرگوار را باید محاسبه کنید؛ یعنی اقتدار ایشان، به خاطر تدین و پایبندی عمیق و بی‌بروبرگردش به دین و به ایمان دینی و جذبه‌ی معنوی بی‌که در وجود او موج می‌زد، بود.

پایداری این مردم بعد از پیروزی انقلاب، و تشکیل و بقا و ریشه‌دار شدن جمهوری اسلامی تا وضع کنونی، و پیشرفتها در جهات مختلف، و سرنوشت جنگ تحمیلی، و سرنوشت جنگ‌های فراوانی که ما تاکنون در دنیا سیاسی و اقتصادی داشته‌ایم و همه به سمت پیروزی حق بوده است - اگرچه در بسیاری از آنها در نیمه‌ی راه قرار داریم - همه‌ی آنها مرهون ایمان اسلامی ما و اعتقادات اسلامی این مردم است؛ ما باید آن را حفظ کنیم. در اظهاراتمان، در عملکردمان، در جهتگیریها و اتخاذ سیاستهای مختلفمان، این باید برای ما معیار باشد. هیچ ملاحظه‌یی نباید جلوی ملاحظه‌ی دینی را بگیرد و بر آن فایق بیاید. همه‌ی ملاحظات و تصمیم‌گیریهای ما باید با معیار ایمان مذهبی و تجویز دین و حکم اسلامی مقایسه گردد و حکم بشود به این که این درست است، یا درست نیست. این، راه پیشرفت ماست؛ چیزی است که این ملت را نسبت به مسؤولان دلگرم خواهد کرد و پشت سر آنها نگه خواهد داشت.

لان شما فروپاشی این امپراتوری شوروی را ببینید. آن چیزی که عامل درجه‌ی یک و عامل مباشر در این فروپاشی است، انقطاع از مردم است؛ با مردم کاری ندارند. هیچ رابطه‌یی بین این رهبری و مردم وجود ندارد؛ یعنی رهبری، هیچ نمی‌تواند روی مردم حساب کند؛ والا اگر می‌توانستند روی مردم حساب کنند، آیا تبلیغات امریکاییها و سیاستبازی آنها در این یک‌سال‌ونیم اخیر می‌توانست این قدر در وضع شوروی تعیین‌کننده باشد؟ هیچ چیز به قدر تبلیغات امریکاییها و بازی سیاسی آنها، در وضع فعلی شوروی مؤثر و تعیین‌کننده نبوده است. قدم به قدم قضايا را

پیش بردن، تا به اینجا رسانند؛ حالا بعد از این، خدا به داد این جمهوریها - و بخصوص آن در شتھایشان - برسد، که چه در پیش خواهند داشت! علتش این است که مردم را در کنار خود ندارند. هر نظامی که با مردم خودش مرتبط و متصل نباشد، نمی‌تواند برای بلندمدت و برای آینده، برنامه‌ریزی مطمئنی داشته باشد.

مردم ما، مردم مذهبی و متدینی هستند. مهمترین عامل حفظ این عقیده و این پیوند خوب، همین حرکتی است که بحمدالله شماها دارید؛ حرکت دینی و احترام به دین و پایبندی به مقررات اسلامی. به‌حال، ما از آقایان خیلی متشرک هستیم. خدا را شاکریم که این پیروزی را به ملت ایران ارزانی داشت؛ و این پیروزی بسیار بزرگی است. اگرچه مراحل بعدی این هم - همان‌طور که آقایان برنامه‌ریزی کرده‌اند - بایستی پیگیری بشود و بسیار مهم است؛ لیکن از شروع کار، عظمت پیروزی آشکار شده است. شاید لازم است آنچه که به دست آمده، برای ملت ایران کاملاً بیان بشود که چه قدر عظمت دارد. این خیلی مهم است و حقیقتاً برای همه‌ی ملت ایران و کسانی که ضایعات جنگ تحملی را تحمل کرده‌اند، تسلابی است.

امیدواریم ان شاء الله تفضلات الهی بر شما و بر همه‌ی مسؤولان و ملت مستمر باشد و خدای متعال با تفضلات خود و توجهات خاص ولی‌عصر (ارواحنافاده) روزی‌روز شادیهای بیشتری نصیب کند؛ که یکی از این شادیها هم، همین سفر اخیر (۵) رئیس جمهور محترمان بود که واقعاً مردم را شاد کرد و بسیاری از غمها را از دلهای آنها زدود. به نظر من، هیچ صدقه‌یی بالاتر از این نیست که انسان این مردمی را که شایسته‌ی خوشحالی هستند، خوشحال کند؛ و این سفر - چه حضور در آن کنفرانس، (۶) و چه سفر به سودان - و اقدام شما آقایان، واقعاً مردم را خوشحال کرد. این چیزها تصادفی به دست نمی‌آید. ما دستمنان توی کار بوده، می‌دانیم که آنچه پیش می‌آید، محصول تلاش و زحمت و فدایکاری و رنجهای فراوانی است که بحمدالله محصولش هم این‌گونه ظاهر می‌شود. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

۱) اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی 598 شورای امنیت سازمان ملل متحد: دکتر ولایتی (وزیر امور خارجه)، حجۃ‌الاسلام والمسلمین روحانی (دبیر شورای عالی امنیت ملی)، حجۃ‌الاسلام والمسلمین فلاحیان (وزیر اطلاعات)، آقای مهاجرانی (معاون حقوقی رئیس جمهور) و دیگر اعضای این ستاد

۲) محمد: 7

۳) طه: 124

۴) تحولاتی که در اتحاد جماهیر شوروی سابق و در دوران زمامداری «گورباچف» به وجود آمد، موج آن نیز به اروپای شرقی و کشورهایی که در حوزه‌ی نفوذ شوروی قرار داشتند، سرایت کرد و به ظهور و رشد استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی کمک نمود. در این میان، دنیای غرب و بویژه امریکا تلاش فراوانی برای خروج این کشورها از انقیاد شوروی به عمل آوردند، که بالاخره به فروپاشی شوروی و از هم‌گسیختگی پیمان ورشو منجر گردید.

۵) سفر به کشورهای آفریقایی سنگال و سودان، که با استقبال چشمگیر مردم آن کشورها مواجه شد.

۶) ششمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در تاریخ 18/9/1370 به مدت چهار روز در داکار، پایتخت کشور سنگال برگزار شد.